نگاه

دبیرکل انجمن اسلامی اصناف و بازار:
اعضا ملزم به اجرای همه خواسته‌های تشکیلات نیستند

طیبه صرحیسینی

دبیرکل انجمن اسلامی اصناف و بازار: تشکیلات در جناح اصولگرا دارای نمونه‌هایی است که از سابقه بالایی برخوردار هستند. یکی از این تشکل‌ها، انجمن اسلامی اصناف و بازار است. گفت‌وگوی «شرق»، با احمد کریمی اصفهانی، دبیرکل این تشکل را می‌خوانید.

▪ با توجه به اهمیت فعالیت سازمان‌مند سیاسی و اسباب و لوازم آن یعنی فعالیت حزبی و جمعی در کشور، نظر شما درباره زوایای رفتار تشکیلاتی و بایستگی به آن چیست؟

طبیعی است هر فردی بعد از ورود به تشکیلاتی موظف است آیین‌نامه و مرامنامه آن را که در هنگام عضویت پذیرفته است، اجرا کند و در واقع بایستی به وظیفه تشکیلاتی خود باشد. در واقع حاکمیتِ درخورِ معنی اصلی کار تشکیلاتی است.

▪ از نظر شما اعضای تشکیلات حق دارند خارج از چارچوب تشکیلاتی خود رفتار کنند؟

رفتار کردن بر طبق رفتار تشکیلاتی در جوامع مختلف تا حدودی متفاوت است و معمولا در کشورهای اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران گاهی وظیفه دینی بر وظیفه تشکیلاتی می‌چربد و عضو از تشکل رفتار بر اساس شرع را مقدم بر وظیفه تشکیلاتی خود می‌داند لذا ممکن است تصمیمی اتخاذ کند که با نظر تشکل متبوع خود در تضاد است.

▪ یعنی شما رفتار خارج از محدوده تشکیلات را عملی موجه و قابل قبول می‌دانید؟ در مورد تشکل خود شما، اگر در زمانی که تصمیم مهم جمعی نیاز است، فردی خلاف آن عمل کند، اهمیتی ندارد؟

این مساله باید به طور دقیق بررسی شده و ابعاد آن مشخص شود چرا که گاهی اوقات، از نظر فرد تصمیمات تشکیلاتی با منافع جامعه همخوانی ندارد و فرد ترجیح می‌دهد نظر شخصی خود را اعمال کند که در این صورت اشکالی ندارد و فرد از اداری خود استفاده کرده و بر پایه دینی و شرعی تصمیمی در جهت منافع اجتماع گرفته است.

▪ یعنی شما عدم رعایت وفاداری و پایبندی به رفتار تشکیلاتی را غیراخلاقی نمی‌دانید؟

اگر فرد به دلیل تکلیف شرعی بر خلاف آنچه که تشکیلات خواستار آن است، عمل کند منعی ندارد. البته این مورد بیشتر در کشورهای اسلامی صدق می‌کند چرا که فرد همیشه تکلیف دینی خود را مقدم بر تکلیف تشکیلاتی می‌بر شمارد. هرچند با پذیرش مرامنامه تشکیلات به عضویت آن درآمده باشد.

▪ پس از یک شما راهی وجود دارد که به پایه آن اعضای هر تشکل پس از پذیرش مرامنامه، همیشه براساس رفتار تشکیلاتی خود عمل کنند یعنی نوعی برای آنها الزامی ایجاد کرد؟

این امر به معنی این است که هر حزبی از اعضای خود تعهد بگیرد که هیچ زمانی خارج از چارچوب آن عمل نکنند در حالی که هیچ تشکل و حزبی چنین کاری نکرده است و اعضا متعهد نیستند جزءجزء خواسته‌های تشکل را اجرا کنند بلکه گاهی بر اساس تشخیص فردی خود عمل می‌کنند.

▪ ارزیابی شما از آخرین مصداق عمل نکردن به رفتار تشکیلاتی در جریان رای‌دادن الهه رانسگو در انتخاب شهردار چیست؟ با در نظر داشتن این امر که ایشان با فهرست اصلاح‌طلبان در انتخابات شورا کاندیدا شده و رای آوردند؟

نظر من به رسانه کشاندن این مساله در شأن کار تشکیلاتی نبود و واکنش‌هایی که به رای ایشان از جانب گروه‌های مختلف مطرح شد، حرکت درستی نبود چرا که برای حفظ حیثیت رانسگو و حیثیت تشکیلات جواب این مساله باید در درون تشکیلات موردبررسی قرار می‌گرفت و هر دو طرف دلایل خود را مطرح می‌کردند. اما مسایلی که در مورد ایشان مطرح بود بیشتر به ضرر خود جریان اصلاح‌طلبی بود چرا که اینگونه برداشت می‌شد که اعضای حزب آزادی فردی ندارند. از سوی دیگر من اینگونه به مساله نگاه کرد که شورای شهر بیشتر دارای جایگاه تخصصی است تا سیاسی و رفتار بر پایه تشکیلات در آن نافذ نیست. لذا اگر رانسگو در این مورد بر پایه تشخیص فردی خود عمل کرده و به فردی رای داده که موردنظر تشکل متبوعش نبوده است و شاید بهتر می‌توانسته امور شهری را اداره کند هرچند باید علت دقیق را از خودش جویا شد.

▪ پس چرا در جریان رای اعتماد به وزرای دولت اصولگرا در مجلس اصولگرا، این همه نسبت به افرادی که رای دیگری داشتند، انتقاد شد؟ چرا همسته مرکزی جناح شد؟ حمایت از دولت را به خیابی رساند که به برخی نمایندگان، وکیل‌الدوله گفتند؟ پس از این به بعد، اعضای تشکل شما هم به تشخیص فردی عمل کنند.

بله، حتما فردی که در مجموعه‌ای قرار می‌گیرد بیشتر باید بر پایه خروجی عمل کند اما گاهی افراد عمل بر رفتار تشکیلاتی را باعث لطمه‌خوردن به منافع کلی جامعه می‌بینند و لذا بر پایه مبانی تشکیلاتی خود عمل نمی‌کنند. در مجلس شورای اسلامی نیز به همین صورت است و ما شاهد آرای گوناگون مثبت، منفی و حتی ممتنع در موارد مختلف هستیم.

روزنه

مواهب تشکیلات

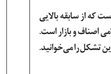

مصطفی ایزدی
فعال سیاسی

۱- «نظام‌های دموکراسی، متکی به آرا و افکار نخبگان و توده‌های فریبنده مردم است و احزاب آزاد، بهترین مظهر اراده مردم هستند. در گذشته‌ها نیز نظام‌های عشیره‌ای و قبیله‌ای، نمونه نازلی از احزاب سیاسی محسوب می‌شوند»

«لازم است قدرت دولتمردان و مسوولان بالا تحت کنترل مردم باشد و اگر نتوانستند به آنان جداگانه اثر ندارد لازم است افراد جامعه متشکل شوند تا قدرت متمرکز آنان، قدرت افراد را کنترل کند. بر این اساس لزوم تشکیل احزاب سیاسی آزاد از افراد عاقل و متعهد و دلسوز و در عین حال کارشناس در مسایل سیاسی و اجتماعی و وجود مطبوعات آزاد، شدیدا احساس می‌شود تا مسوولان بالا را کنترل کند.»

«در جهان امروز با رشد علمی و فکری و ارتباطات همگانی – همان‌گونه که در کشورهای پیشرفته تجربه شده –بهترین راه دخالت مردم در تشکیل حکومت صالح و کنترل حکام و تقویت مسوولان امین و خدمتگزار و جلوگیری از تجاوزات و تبعیض‌های ناروا و ... به‌طور کلی اجرای دموکراسی در سطح جامعه و ادارات و موسسات، تاسیس احزاب سیاسی آزاد و خودجوش است تا برحسب سلیقه‌ها و اندیشه‌های گوناگون و برداشت‌های مختلف که حق طبیعی انسان‌هاست و براساس پذیرش موازین عقلی و اسلامی وظایف اجتماعی و سیاسی خود را انجام دهند. احزاب قوی، رشیدتر و دارای امکانات ارتباطی پیشرفته با رقبای سازنده و سالم می‌توانند انتخابات عمومی کشور را در مراحل مختلف به نفع اسلام و ملت منافع محقق سازند و دولت متعهد و مقتدری را روی کار آورند و جلوی علاوه بر اینکه یک تکلیف الهی و شرعی است، اما وقتی فراد، خود را به عضویت در آن تشکل درآوردند، باید آماده پیروی از بایدها و نبایدهای حزبی که رسما اعلام می‌شود باشند. تصور کنید که قصد سفر از تهران به نقطه‌ای دیگر از کشور، مثلا مشهد مقدس را دارید. کاملا روشن و آشکار است که شما مختار هستید با هر وسیله‌ای که دوست دارید بروید: پیشرفته‌ترین سواری اتوبوس، سواری کارپای، قطار، هواپیما و حتی پیاده

ادامه در صفحه ۹

حمیدرضا جلایی‌پور در گفت‌وگو با «شرق»:
اخراج «راستگو» نمونه «رفتار تشکیلاتی» است

عکس: آیدین رهی، شرق

بارها گفته شده که جامعه ایرانی عقلانی‌مند به فردگرایی است و در کار تیمی موفق نیست. شاهد مثال آن هم همین که احزاب بعزودی دچار انشعاب می‌شوند و ورزش‌های تیمی ما موفق نیست و فقط در انفرادی، مدال المپیک می‌گیریم. وقتی شرایط اینچنین است رفتار تشکیلاتی هم شکل نمی‌گیرد و فردی که تا دیروز عنصر حزبی بود، امروز در مجلس یا پارلمان شهری، با افتخار می‌گوید که وامدار هیچ حزبی نیست و به آنچه تشخیص بدهد رای می‌دهد! اما نقیض هر دو مورد پیدا شد. هم تشکیلاتی وجود دارند که با وجودِ محدودیت‌ها، حزب در سطح شعاع جوانان هم اثرگذار هستند. سنادهای کشوری انتخاباتی شکل می‌دهند و اتفاقا جوانان آنها، انسجام و رفتار تشکیلاتی را –حتی در شرایط پرفشار– جزءبه‌جزء رعایت می‌کنند و هم تیم‌های ورزشی ما از فوتبال گرفته تا والیبال و بسکتبال در سایه کار جمعی، افتخارات آسیایی و جهانی را به نام ایران می‌زنند. حمیدرضا جلایی‌پور از جامعه‌شناسان شاخصی است که عضویت در شورای مرکزی یکی از احزاب محوری اصلاح‌طلبان را هم تجربه کرده است. وی به پرسش‌های «شرق» درباره الزامات نهادینه‌شدن رفتار تشکیلاتی در عرصه سیاسی پاسخ داد:

▪ پس از اتفاق اخیر درباره انتخاب شهردار، به‌حتایی درباره آسیب‌شناسی آن در محافل نزدیک به اصلاح‌طلبان شکل گرفت. این آسیب در میان اصلاح‌طلبان کمتر دیده شد اما در میان اصولگرایان در هفته‌های گذشته، موارد بیشتری را هم می‌شد مشاهده کرد که رفتارهای متناقض در یک تشکیلات و مثلا نمایندگان مجلس و اعضای شورای اصولگرا، به چشم می‌خورد. یعنی در برنگذاشتن، وقتی نیروی تشکیلاتی که به خاطر رای مردم به جریان متنوعش، وارد یک پارلمان شده، دچار تضاد رفتاری می‌شود. ریشه این اتفاقات در کجاست؟

من راجع به رخداد «خانم رانسگو» ارزیابی‌های رایج این روزها را قبول ندارم. به نظرم این اتفاق، یکی از علایم گسترش تحزب و غلبه بر چالش‌های درمسالاری در تجربه ایران است. اولا اتفاقی که در این انتخابات افتاد بیش از چهارسال فضای خاص بود. در این انتخابات اقای هاشمی رضداحیت شد. این اقدام خیلی بزرگی بود که اتفاق افتاد اما پس از آن به دلیل اینکه یکی از یاران اقای هاشمی، کاندیدای مورد حمایت اصلاح‌طلبان شد و به پیروزی رسید، عمق این رخداد معلوم نشد. اما می‌دانید وقتی این اتفاق رخ داد خیلی از نیروها و تشکل‌های اصلاح‌طلب، شوکه شدند و این خصوصا در مورد تمرکز کمتر بر انتخابات شوراها اثر داشت.

▪ یعنی چه اتفاقی افتاد؟ به هر حال این دو انتخابات اگرچه مرتبط بودند اما ساحت‌های جداگانه داشتند.

سن به یاد دارم وقتی اسامی نامزدهایی که می‌توانند در انتخابات حاضر باشند اعلام شد، اصل اینکه آیا می‌توان در انتخابات شرکت کرد، یا تردیدهایی میان منتقدان مواجه شد. درواقع گفته می‌شود وقتی هاشمی و انتخابات ریاست‌جمهوری به آن تشکل با محدودیت مواجه شود، دیگر تکلیف شوراها روشن است. این دیدگاه همه را به فرد دیگری برد. اصلاح‌طلبان اما به سبب همین کار تشکیلاتی و منسجم و تجربیات گرانبهای این سال‌ها، به‌سرعت از شوک خارج شدند و نقطه قوت خود را روی ائتلاف ازنامزد در انتخابات گذاشتند.

▪ پس معتقدید از انتخابات شوراها غفلت شد؟

اساسا اگر تمرکز کاملا از ما گرفته شد، باز هم می‌گویم آن رخداد به اندازه‌ای بزرگ بود که جای چنین رخدادی جست تاثیر قرار گرفت. من یک اصلاح‌طلبم در بین ۲۴ خرداد که برای‌ای دادن مراجعه کردیم، فهرست کوچکی که نام نامزدها روی آن نوشته می‌شود و به‌عنوان فهرست اصلاح‌طلبان حتی نتوانسته بودند فهرست ۳۱ نفره که در قطع کوچک پخش می‌شود را به اطلاع شهروندان تهرانی برسانند اما با وجود همه این ضعف‌ها، به دلیل فضای ایجادشده و همراهی هواداران اصلاحات در رسانه‌های مستقل و متن جامعه، باز هم ۱۸ نفر از اصلاح‌طلبان رای آوردند. رضداحیت اقای هاشمی به این معنی بود که انگار یک تیم بخواهد در مسابقه شرکت کند و قبل از آن اعضای آن –سکته کنند! برای همین می‌گویم کاری که تا همین سطح انجام شد را نیز باید مهم دانست. نکته دوم اینکه شورای چهارم به نسبت شورای اول - که اصلاح‌طلبان اکثریت آن را در اختیار داشتند- دارد ارتقا پیدا می‌کند. درست است که همه احزاب اصلی و بازیکنان اصلی نتوانستند در فهرست قرار بگیرند چون رضداحیت شدند اما اصلاح‌طلبان با همین نیروها هم در صحنه ماندند چون به کار جمعی اعتقاد داشته و دارند. آنها انتظار نداشتند خانم رانسگو دست به چنین کاری بزند. به همین دلیل کمالی بعطور جدی نسبت به این عمل اعلام موضع کردند و از زیر با گذاشته شدن تصمیم جمعی اصلاح‌طلبان ابراز تاسف کردند. آنان می‌دانند دوباره می‌خواهند در ائتلاف اصلاح‌طلبان حاضر باشند و باید جلو این اقدامات اشتباه را برای تکرارنشدن در آینده بگیرند. بنابراین تصمیم بسیار پختهای گرفته‌اند. شما این نحوه مدیریت اتفاق را با وقایع شورای اول مقایسه کنید. اقای حجاریان را ترور کردند و اقای عبدالله نوری هم از شوراها رفت و شوراها ضعیف شد. اما آقایی که منتسب به اصلاح‌طلبان بود، تکوری می‌کرد و هیچ‌کس نبود کسی مناسبی در مقابل رفتارهای وی نشان دهد. تلویزیون هم پشت آن را گرفت و تجربه شوراها -که اکثریت آن اصلاح‌طلب بودند- را در اذهان عمومی تخریب کرد تا اکثریت رای‌دهندگان در انتخابات دومین دوره شرکت نکنند. اما این‌بار چه اعضای شورا و چه حزب کار، تصمیم بسیار خوبی گرفتند! و به نظر من جنبه‌های مثبت این نوع اتفاقات، از وجوه منفی آن بیشتر است.

▪ از این مورد خاص که بگذریم، به‌طور کلی رفتار تشکیلاتی را در چه چارچوب‌هایی ارزیابی می‌کنید؟ در احزاب منسجم، دفتر سیاسی جلسات مختلف می‌گذارد و به نیروها آموزش می‌دهد. در ایران هم کمابیش احزاب محوری اصلاح‌طلب همین روش را داشتند. چرا اگاهی این آموزش‌ها فراموش و تصمیمات فردی، جایگزین آن می‌شود؟

بله رفتار حزبی و تشکیلاتی با کمبودهایی مواجه است اما چه عامل مهمی سبب این اتفاق شده است؟ هر پدیده اجتماعی از جمله ضعف احزاب، تک‌عاملی نیست. ما در جامعه سیاسی زندگی می‌کنیم که تقاضا برای تحزب از سوی مردم وجود دارد. این از ریشه‌های انقلاب است. بدلیل زمینه مردمی انقلاب اسلامی بود که قانون اساسی رسما تحزب را پذیرفته است. همان موقع جزم سیاسی در

> **وقتی اسامی نامزدهایی که می‌توانند در انتخابات حاضر باشند اعلام شد، اصل اینکه آیا می‌توان در انتخابات شرکت کرد، یا تردیدهایی میان منتقدان مواجه شد. درواقع گفته می‌شود وقتی هاشمی و انتخابات ریاست‌جمهوری به آن تشکل با محدودیت مواجه شود، دیگر تکلیف شوراها روشن است. این دیدگاه همه را به فرد دیگری برد. اصلاح‌طلبان اما به سبب همین کار تشکیلاتی و منسجم و تجربیات گرانبهای این سال‌ها، به‌سرعت از شوک خارج شدند**

قانون اساسی پیش‌بینی شد. یعنی کسی که در هنگام فعالیت‌های سیاسی، جزم مرتکب شد، به جزم مادر عضو مسجد که سبب شد اساسا احزاب تواننند آموزش دهند، کادر ایجاد کنند و فقط در مواقع انتخابات به آنها مجال بروز و ظهور داده شود این است که در حد سل اخیر، محدودیت احزاب پایانی نداشته است. همه پدیده‌های مدرن به‌تدریج پذیرفته شدند. ابتدا با مدرسه‌سازی مخالفت شد اما بعد امکان آن به وجود آمد. تصمیم دخترِان، مخالفان جدی داشت اما دخترِان به هر حال امکان تحصیل یافتند. رادیو که این وارد ارد شد، با آن مخالفت شد اما بعد جافتند. دانشگاه‌سازی، کارخانه‌سازی و سایر مولفه‌های مدرن به‌رغم مساعت اولیه، به هر حال پذیرفته شد. به یاد دارم وقتی تهران صاحب آب لوله‌کشی شده بود و من با پدر به مسجد می‌رفتم. آنجا گفته می‌شد از خزینه استفاده کنید بهتر است! اما امروز چه کسی حمام داشتن را غیرسالمی می‌داند؟ اما برداه حزب وضعیت تفاوت چندانی نکرده است.

محمدجواد حق‌شناس در گفت‌وگو با «شرق»:
نباید از نردبان تشکیلات بالا برویم و سپس آن را بیندازیم

جواد مرشدی

در همه‌جای دنیا تشکل‌های سیاسی با مرامنامه و اساسنامه مشخص توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی واحد، تاسیس می‌شوند و اهداف و برنامه‌های آن تشکل به نوعی به اداره کشور و خط مشی کلی نظام مربوط است اما در برخی مواقع شاید که توجهی به استراتژی و تاکتیک‌ها، از جمله خطاهای اصحاب قدرت در تشکل‌ها باشد و حتی آنکه سال‌ها کار تشکیلاتی کرده‌اند به نوعی در رفتار تشکیلاتی می‌کنند. «شرق» برای بررسی بیشتر نوع رفتارهای تشکیلاتی و مقایسه نوع رفتار تشکیلات داخلی با تشکل‌های آن سوی دیوارهای مرکزی عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه مدیرکل پیشین سیاسی وزارت کشور گفت‌وگویی انجام داده که در ادامه می‌آید:

▪ به نظر شما، انجام رفتار تشکیلاتی چه مراحلی باید داشته باشد؟

بحث تشکیلات یک تجربه بشری است و اگر این تجربه از بعد تاریخی در یک سرزمین فاقد سابقه باشد طبیعتا مزیت محسوب نمی‌شود و از این جهت می‌توانیم بگوییم در ایران بحث تشکیلات مدرن شاید از یکی، دو دهه قبل از مشروطه وارد کشور شده و در دوران مشروطه نهادینه می‌شود به عبارتی حدود ۱۲۰ سال است که تشکیلات جدید وارد کشور شده و ویژگی‌های خاص خودش را دارد. بعد دیگر عرض‌گرد به ساختار و قانون نظام سیاسی که در آنجا وجود دارد و نوع نگاه نظام سیاسی نسبت به تشکیلات. طبیعتا نگاهی که در قانون اساسی بعضا قانون مادر وجود دارد و جایگاهی که برای احزاب، تشکل‌ها، آزادی بیان، بحث تفکیک قوا، جایگاه مردم، نقش نهادهای انتخابی مثل مجلس، شورا، مجلس خبرگان، نهاد ریاست‌جمهوری و این طرح تعریف شده، نشان‌دهنده همان توجهی است که قانون‌گذار به‌خصوص در قانون اساسی به این مساله داشته است.

▪ نقش صاحبان قدرت را چگونه می‌بینید؟ به نظر شما آنها برای اجرایی کردن این قانون چه نقش‌هایی باید ایفا دهند؟

برای بررسی نقش صاحب قدرت می‌توانیم به قانون شوراها نگاه کنیم که به‌عنوان یک قبل از قانون اساسی در اولین سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸) مصوب شد ولی تا سال ۱۳۷۶ و روی‌کارآمدن خاتمی یعنی حدود ۲۰سال متوقف شده بود و اجرایی نشد. هیچ‌کس هم نگفت این اصل مطمئن‌مدن مهم‌ترین قانون کشور نبود و به راحتی از آن می‌گذشت. به‌هرار زحمت و بلاوجود مشکلاتی که تدوین قانون در کشور دارد قانونی تدوین می‌شود ولی اصل اه به تحقق نمی‌شود. یعنی نه‌تنها پیشرفته به قانون اصلا هزینه‌بر نیست و به همین دلیل شما می‌بینید کسی مثل آقای احمدی‌نژاد پیدا می‌شود و مدعی‌شان بیشتر از دست رفته اما با ناتانی تخلفات از قانون رایت‌دید و هیچ هزینه‌ای بابت این عدم‌پایبندی به قانون نمی‌دهد. **▪ احمدی‌نژاد می‌گفت من تشکیلاتی نیستم آیا اینطور بود؟**

در نظر من ایشان به‌شدت عنصر تشکیلاتی بود گرچه به ظاهر عدم‌پایبندی به تشکیلات را اعلام می‌کند و می‌گوید هیچ دینی به تشکیلات ندارد. اما قوی‌ترین تشکیلاتی که وجود داشت ایشان را حمایت کرد. یعنی ما نمی‌توانیم احمدی‌نژاد را هشت سال در مسند قدرت داشته باشیم در حالی که یک حمایت تشکیلاتی پشت سرشان وجود نداشته باشد.

▪ منظور اصولگراها هستند دیگر؟

بله

▪ ولی همین اصولگراها هم با وجود اینکه سال‌ها کار حزبی کرده‌اند در مورد احمدی‌نژاد اواسط راه کنار کشیدند و این یکی از نشانه‌های ضعف کار تشکیلاتی آنان است.

من این را قبول ندارم. در مورد احمدی‌نژاد باید بگویم ایشان تا آخرین روزها با قدرت سر کرش ماند و از رفتارش حمایت شدت حتی دقایقی قبل از تحلیف رییس‌جمهور بعدی در مجلس می‌بینیم به تخلفاتش اشاره می‌دهد و نمادش هم همان ۱۶ میلیارد است که برای دانشگاه خودش برداشت کرد.

▪ در مقایسه‌ای بین کشور خودمان و کشورهای دیگر بفرمایید آیا جطور در رفتارهای تشکیلاتی موفق هستند و چه عواملی را در این مساله دخیل می‌دانید؟

نگاتی را که اشاره کردم در واقع آن ویژگی‌هایی بود که در آن کشورها به آن توجه شده است. در آنجا هم وقتی به قبل از دوره رسانس برگردیم، قرون وسطا و از شرایط خلف کلیسا را داریم. خب جطور می‌شد که اروپا از آن تاریکی مطلق و سیاهی دوران وحشتاگینری که بهشدت امروز از آن نفرت دارند جدا شده و وارد عصر طلایی رنسانس شد تا زمینه ایجاد تمدن و تحقق اراده شهروندان را فراهم کنند. آنها هزینه‌های زیادی دادند؛ انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب مجلل انگلستان، شبانه دهها و صدها جنگ بزرگ مثل جنگ‌های صدساله یا جنگ‌های ۳۰سالهِ در آلمان. اینها انقلاتی است که تجربه را منتقل می‌کند. بعد با ظهور فلاسفه و دانشمندان، تحولاتی شکل می‌گیرد که پله‌پله به ما و تجربیات فراگیر هم به آن اضافه می‌شود و آرام‌آرام منتقل می‌شود و به هر حال تمام هزینه‌هایی که می‌دهند باعث می‌شود تجربه‌ها جمع شوند تا به امروز برسند. ما نمی‌توانیم به این‌همه تلاش شکل‌گرفته بی‌توجه باشیم و ما که نمی‌توانیم دوباره جزءجزء اتخاذ کنیم چون آن تجربه آنها بوده و ما باید برای خودمان چرخ خاص خودمان را اختراع کنیم. تحزب و تشکیلات و کارگروهی نتیجه رنج‌ها و تلاش‌ها و ابباشت تفکر فلاسفه و حقوقدانان و اندیشمندان و سیاستمداران و اساتیب کوچک و بزرگی بوده که کنار هم گذاشته شده تا به امروز رسیده و به یک جعبه مشخص تبدیل شده و این امروز در اختیار ماست و ما اگر نخواهیم به آن توجه کنیم، نخواهیم بهره بگیریم مطمئنا خودمان ضرر می‌کنیم. مثلا در کشوری مثل هند که بیش از ۶۰۰ال از استقلالش نمی‌گذرد این تجربه وارد می‌شود و هندی‌ها از آن می‌گیرند و بلوچود فقر موجود و با اینکه دو قرن تحت استعمار بودند و مناپیش‌ان نیز از دست رفته اما با تلاشی که می‌کنند و هوشمندی موسلمانان تبدیل به بزرگ‌ترین دموکراسی جهان می‌شوند. می‌بینیم در طول ۶۰ال هند به مرزهای شش قدرت جهان رسیده و ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان می‌شد، چنان‌که در دورانی که اروپا و آمریکا از بحران اقتصادی رنج می‌برند.ند ترکیه همچنان اقتصاد را برونق نگاه داشته است؟ بعضوت در کشور ما، یک شخصیت بالا بود که بی‌سوادتر بودند. فراموش نکنیم در هندوستان قبل از ورود انگلستان، زنان فارسی حاکم بود و این نشان می‌دهد فرهنگ ایرانی حاکمیت وسیعی در منطقه داشته است. اما شد شده که به این نقطه رسیدیم؟ ما می‌خواهیم بدانیم که این تجربه در حالی که بسیار پرهزینه بوده وقتی وارد کشوری مثل ترکیه بعد از سه دهه حاکمیت نظامیان می‌شود ترکیه را تبدیل به یک کشور با نفوذ حزب کارگر، جولو بلر ایستاندند. عکس این رفتار شفاف، این «تبلی» نایستد بود که در مارجای انتخاب شهردار تهران رخ داد. آقای محسن هاشمی زنده و حاضر است و در گفتوگویی عنوان کرده « فرد مذکور (خانم رانسگو) به من گفت من طرف شما هستم بروید مواظب دیگران باشید! اما برخود حزب با وی و حتی مجمع زنان اصلاح‌طلب، نشان می‌دهد ما کار حزبی را می‌شناسیم

▪ به‌عنوان یک جامعه‌شناس این دیدگاه را قبول دارید که تکروی و فردیت، در ذات ایرانی‌هاست؟ پس چرا در بسیاری از موارد، فعالیت‌های جمعی خوبی شکل می‌گیرد مثل همین انتخابات و البته همه اتفاق‌هایی که اصلاح‌طلبان داشته و بر سر آن ماندند؟

اگر منظور از فردیت، خودمحوری است من اصلا آن را قبول ندارم. من می‌گویم به همه آدم هستیم اما لسان کامل نیستیم پس خطاهایی که در همه دنیا تسارها مرتکب می‌شوند ما هم می‌شویم. اما اینگونه نیست که خودمحور باشیم به‌عنوان مثال در کشور آلمان، حزب سوسیال‌دموکرات از قدیمی‌ترین احزاب است که از نیمه دوم قرن ۱۹، فعالیت می‌کند اینها ابتدا حدود ۷۰۰ هزار هوادار دارند و ۸۰۰ نیروی کادر فعال. اگر آن شرایطی که احزاب در ایران دارند، در آنجا بود احتمالا کسی دچار خودمحوری که کار حزبی کند. اشاره کردید، انتخابات ۹۲ محصول کار تشکیلاتی بود. مردم هم نشان می‌دهند اگر شرایط باشد از کار جمعی استقبال می‌کنند. اینکه می‌گویند ایرانی‌ها در رانندگی به راحتی نمی‌دهند پس میلیون‌ها ماشین در خیابان‌ها چگونه حرکت می‌کنند؟ بهترین جولان‌های ما، بهترین سال‌های عمر خود را بر سر کار تشکیلاتی گذاشته‌اند، حتی هزینه می‌دهند اما باز هم به آن ملتزم هستند. در مورد اعضای شورای مرکزی مشارکت گفته می‌شد که اکثرا در میانسالی هستند و مدیر بوده‌اند و نگران کردند و هزینه دادند، اگر با پس کشیده بودند اصلا اتفاق ۹۲ رخ نمی‌داد. پس این نشان می‌دهد ایرانی‌ها اتفاقا به کار تشکیلاتی و رفتار تشکیلاتی علاقه‌مند هستند و کار جمعی را دوست دارند. ما که از آلمانی‌ها عقب‌تر نیستیم که ۸۰۰ نیروی کار طی این همه سال لال دارند. ما نمی‌توانیم؟ من اینها را قبول ندارم. من این دیدگاه برخی استادان را قبول ندارم که همه ما میل به دیکتاتوری داریم. این بی‌اعتنایی و بی‌احترامی است. ایرانیان شرایط برایشان فراهم شود مانند بقیه انسان‌ها در سایر کشورها، کار تشکیلاتی می‌کنند و البته در رفتار تشکیلاتی و حزبی، ممکن است خطا هم بروز کند. ارتقای کار حزبی، همین است که حزب اسلامی کار نشان داد.

▪ یکی از انتقاداتی که این روزها مطرح شد، مرحله بستن فهرست انتخاباتی اصلاح‌طلبان برای انتخابات شوراها بود. اینکه در گزینش برای شورای دست، دستمان بسته است و ناچاری‌هایی پیش می‌آید. امری پذیرفته شده است. اما جوانانی که شما هم به آنها اشاره کردید که کار حزبی کرده‌اند و دارای تحصیلات دانشگاهی هم هستند در فهرست اصلاح‌طلبان حضور داشتند اما شاید به دلیل سن، به انتهای فهرست می‌رفتند در حالی که اگر در ردههای بالاتر بودند، شاید آنها الان در شورای شهر تهران حضور داشتند و این اتفاق اخیر هم رخ نداده بود. به نظر می‌رسد نگرش بیشتر کمی بود تا کیفی و به سن و سال یا سابقه به جای عملکرد توجه شد.

من کاملا این دیدگاه را می‌پذیرم. به‌عنوان محققی که مسایل سیاسی- اجتماعی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد با گوشت و پوست تجربه کرده، که در این چهارسال، احزابی مانند مشارکت، بیش از گذشته ارزش جوانان خود را دریافتند و جوانان بقیه احزاب، فعالان سیاسی و دانشجویی، روزنامه‌نگاران و... هم در این چهارسال با حداکثر ظرفیت خود به کار ادامه دادند و ناامید نشدند. البته شماها دیگر جوان نیستید هممگی به بالای ۳۰سال رسیده‌اید و می‌توانید کنار اصلی احزاب را تشکیل دهید. جوانان در رفتار مدنی، بحثی در عمل تشکیلاتی و منسجم، با حداقل اشتباه عمل کردند در حالی که در جوانی، اشتباه بیشتر رخ می‌دهد. من حرف شما را قبول دارم. همه حذف اقای هاشمی، همه را شوکه کرد. انگار به مغز خورده بزنند. اینها همین را می‌خواستند که تشکل‌های اصلاح‌طلب فلج فکری شوند. خوشختانه نشدند و دیدند موجی که در انتخابات بلند شده همچنان وجود دارد و شاهکار اتفاقی را سازماندهی کردند. اگر می‌شد انرژی متمرکزتر روی شوراها گذاشت، شرایط فرق می‌کرد. منتها این نقطه و نبمه شد. با این حال خیلی خوب جریانات رادیکال و تملاش آنها برای بزرگ‌نمایی ماجرای انتخاب شهردار نباید گوش داد.

> **عناصر حزبی، باید در رای و نظر شفاف باشند. عکس این رفتار شفاف، این «تبلی» نایستد بود که در ماجرای انتخاب شهردار تهران رخ داد. آقای هاشمی زنده و حاضر است و عنوان کرده « خانم رانسگو به من گفت من طرف شما هستم بروید مواظب دیگران باشید! اما برخود حزب با وی و نشان می‌دهد ما کار حزبی را می‌شناسیم**

▪ بحث عمده‌ای که وجود دارد فشارهای غیرعادی است. مگر انتخاب یک شهردار باید این میزان مسایل روانی و سیاسی‌کاری و تطمیع و تهدید به همراه داشته باشد؟ در کشورهای دیگر برای یک پارلمان شهری اینقدر فضاسازی می‌شود؟

این مشکل جامعه سیاسی است که تشکل‌های آن امکان گسترش نیافته‌اند. مثلا اگر ما با ساختن بیمارستان‌های جدید مخالفت می‌کردیم، اگر جراحی نمی‌شد آنگاه نوع خاص ایرانیان در پزشکی نشان داده نمی‌شد و امروز نه‌تنها پیوند قلب نداشتیم که حتی یک جراحی ساده هم اتفاق نمی‌افتاد. تاکید می‌کنم که دلیل تقاضای تشکل‌سازی در متن جامعه این روند همچنان به پیش می‌رود. الان از مدافعان درجه اول تحزب، آقایان ناطق‌نوری و هاشمی‌فسجانی هستند و فقط آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان، از اهمیت تشکل و حزب سخن نمی‌گویند. همین آقای روحانی وقتی در وزارت کشور درباره «کرکره احزاب» حرف زد همه اطرافیان ایشان تلاش کردند بگویند منظور ایشان احزاب موسمی بوده است. به‌رغم موانع موجود، تقاضا در جامعه رو به افزایش است.

▪ حرفی باقی مانده است؟

چند نکته در حاشیه بگویم. آنهایی که برای عدم شکل‌گیری احزاب، تلاش می‌کنند فکر می‌کنند به هدفشان رسیده‌اند. ممکن است احزاب و تشکل‌ها محدود شوند اما نیروی اجتماعی عظیم موجود، پشت شخصیت‌ها می‌رود و اتلاف آقایان روحانی، هاشمی و خاتمی به اندازه همه کنال‌های مدامسیها و هشتسال فرصت اصولگرایان و همه رسانه‌های مجازی و روزنامه‌های آنان اثرگذار می‌شود. آقای مسجدجامعی به‌تنهایی در فضای موجود، در صدر انتخاب مردم تهران قرار گرفت چون پتانسیل اجتماعی، پشت سر ایشان بود. طبیعی است طرف مقابل ما، نگران تقسیم قدرت و شفاف‌شدن آن باشد ولی نتیجه نمی‌گیرند. نکته دوم اینکه حتی اگر افراد امکان آموزش رفتار تشکیلاتی و حرکت جمعی پیدا نکنند اما بدانان باشد که در ایران امروز، تقاضا برای تشکل‌یابی از پایین تحمیل می‌شود بس توسعه می‌یابد. اتفاقات صدسال اخیر از واکسیناسیون بگیرید تا بیمارستان‌سازی و دانشگاه‌سازی، از بالا صورت گرفت اما تحزب و ارزش‌یافتن نهادهای مستقل، از پایین دنبال می‌شود. درست است که این جولان به دلیل هزینه‌های کار حزبی، رنج کشیدند اما می‌بینیم که آنها و حتی زنان مبا به‌طور جدی دارند کار سازمانده‌ی را تجربه می‌کنند. در ۱۰ج‌یوه‌ها و حتی محل کارشان، تمرین می‌کنند این تمرین‌ها آن ضعف‌های آموزشی را می‌پوشاند و به موقع اثر می‌گذارد. با تحولات جامعه جدید هم سازگار است. جامعه ارتباطی رسانه‌ای در جامعه ما هم شکل گرفته است. در غرب، تعداد اعضای احزاب زیاد نیست اما هواداران زیاد شده‌اند. در آخرین انتخابات آمریکا، بیش از اینکه اعضای حزب دموکرات عامل موفقیت باشند، هواداران آن موفق بودند چون گفته می‌شود تیم آقای ا